

تأثیر ویژگی‌های فردی، حرفه‌ای و هوش هیجانی بر رهبری کارآفرینانه دهیاران روستایی

احسان معصومی*، غلامحسین زمانی^۱

(دریافت: ۹۵/۰۳/۱۰؛ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۲)

چکیده

توسعه تعاونی‌های دهیاری‌ها، به‌عنوان یکی از راهبردهای گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی مورد توجه قرار گرفته است. هدایت این فعالیت‌ها، نیازمند دهیارانی متعهد و بانگیزه است که نقش مهمی را در رهبری سازمان‌های اجتماعی - اقتصادی ایفا می‌کنند. بنابراین مناسب‌ترین سبک رهبری برای این دهیاران، رهبری کارآفرینانه است. در همین راستا، شناسایی عوامل مؤثر بر رهبری کارآفرینانه برای توسعه این سبک رهبری در میان دهیاران ضروری است. از این‌رو هدف این پژوهش، تعیین عوامل تأثیرگذار بر رهبری کارآفرینانه دهیاران بود. این پژوهش از نوع "توصیفی - همبستگی" بوده و با فن پیمایش انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش را دهیاران "تعاونی دهیاری‌ها" در سراسر ایران تشکیل دادند ($N=139$) که تعداد ۱۳۳ نفر بر اساس فرمول کوکران برای نمونه تعیین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد که روایی صوری آن به‌وسیله اساتید صاحب‌نظر و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت (۰/۷۱ تا ۰/۸۹). نتایج نشان داد که تفاوت میانگین معنی‌داری بین رهبری کارآفرینانه و سطوح ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای دهیاران از قبیل سن، سابقه دهیاری و زمینه تجربه کار قبلی وجود دارد. یافته‌ها بیانگر آن بود که متغیرهای هوش هیجانی بر رهبری کارآفرینانه مؤثرند و از بین آن‌ها مهارت‌های اجتماعی بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد. نتایج این پژوهش، معیارهایی را برای انتخاب و آموزش دهیاران روستایی فراهم می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، رهبری کارآفرینانه، دهیاران روستایی.

^۱ به ترتیب، دانشجوی دکتری و استاد بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

* مسئول مکاتبات، پست الکترونیک: masoomi_ehsan@yahoo.com

به‌صورت خلاقانه فکر و عمل کند تا فعالیت‌ها، احساسات و باورهای دیگران را تحت تأثیر قرار دهد (Rost, 1995). رهبری کارآفرینانه به‌عنوان سازماندهی گروهی از مردم برای دستیابی به یک هدف مشترک، با استفاده از رفتارهای کارآفرینانه عملیاتی به‌وسیله ریسک‌پذیری، نوآوری، تشخیص فرصت‌ها و مدیریت تغییر در یک محیط پویا تعریف می‌شود (Fernald et al., 2005). رهبری کارآفرینانه در یک ساختار رهبری مرسوم قابل بررسی است، با این تفاوت که رهبر در سبک رهبری کارآفرینانه، فردی است که با خصوصیتی مثل ریسک‌پذیری، خلاقیت و نوآورانه بودن، مدام به دنبال تشخیص فرصت‌هایی است که بهره‌وری را افزایش می‌دهد که این معمولاً جنبه اقتصادی این فرصت‌ها مدنظر است (Gupta et al., 2004). بنابراین، بررسی ویژگی‌های عاطفی رهبر کارآفرینانه می‌تواند پنجره‌ای جدید در زمینه‌ی فرآیند رهبری بگشاید که در آن نوع احساسات رهبر کارآفرینانه تعیین می‌شود. شناسایی این احساسات، در انتخاب و آموزش رهبران کارآفرینانه مفید خواهد بود.

پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی رهبری انجام شده‌اند، کمتر به اهمیت حالات عاطفی و هیجانی تأثیرگذار رهبر پرداخته‌اند (Chatterjee & Kulakli, 2015). یکی از مفاهیمی که عواطف و هیجانات را دسته‌بندی می‌کند، مفهوم هوش هیجانی (Emotional intelligence) است. مفهوم هوش هیجانی، توانایی درک و مدیریت هیجان فرد را القا می‌کند (Palmer et al., 2001). افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند، قادرند احساسات خود را شناسایی و مفهوم آن را درک کنند. همچنین آن‌ها می‌توانند با استفاده از این احساسات و هیجانات، سایر افراد را تحت تأثیر قرار دهند (Flores & Tovar, 2008).

برخورداری از هوش هیجانی برای موفقیت رهبران ضروری است، چون رهبر در شرایط تنش و موقعیت‌های مبهم، باید بتواند احساسات خود را مدیریت کند و آرامش را به پیروان بازگرداند. بر اساس دسته‌بندی گلمن (Goleman, 1998)، پنج عنصر اساسی در هوش هیجانی وجود دارد که عبارتند از: خودآگاهی (Self-awareness)، خودتنظیمی (Self-regulation)، انگیزش (Motivation)، همدلی (Empathy) و مهارت‌های اجتماعی (Social skills) (Goleman, 1998). خودآگاهی، به معنی میزان آگاهی فرد نسبت به خود است. به این معنی که فرد احساسات خود را می‌شناسد و در مورد اینکه این احساسات چگونه دیگران را

تغییرات انجام‌شده در بازار (جهانی شدن، رشد جمعیت، دگرگونی در بازار کار کشاورزی، امنیت غذایی، رقابتی شدن بازار)، سیاست‌های کشاورزی (حرکت به سوی کشاورزی تجاری مبتنی بر بازار) و خود جامعه (افزایش بیکاری و کم کاری، مباحث زیست‌محیطی، تنوع زیستی، منابع طبیعی) از عواملی هستند که ضرورت کارآفرینی در مناطق روستایی و بخش کشاورزی را بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد (Lans et al., 2014). در پی کارآفرینی در جوامع روستایی و به‌ویژه بخش کشاورزی، سرمایه‌گذاری‌ها و پس‌انداز محلی افزایش یافته و استفاده از منابع محلی ارتقا می‌یابد (ملک سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین مردم روستایی از طریق کارآفرینی می‌توانند سازگاری بیشتری با تغییرات داشته باشند (وطن‌خواه و رضایی مقدم، ۱۳۹۴). مطالعات مختلفی عامل موفقیت کارآفرینان را مورد بررسی قرار داده‌اند. گروهی معتقدند که عامل موفقیت فعالیت‌های کارآفرینانه را نباید در اندازه و مقیاس آن فعالیت جستجو کرد، بلکه می‌توان در نوع آن فعالیت، به لحاظ فردی یا گروهی بررسی نمود. فعالیت‌های موفقیت‌آمیز کارآفرینانه عمدتاً به‌صورت گروهی انجام می‌شود (Soriano & Martinez, 2007). بنابراین موفقیت کارآفرینان در کسب و کارهای خود، در گرو تأثیرگذاری بر سایرین است. وچینو (Vecchio, 2003) معتقد است که کارآفرینان موفق دارای دو ویژگی تشخیص فرصت‌ها و همچنین تأثیرگذاری بر دیگران هستند که تحت تأثیر قرار دادن دیگران، در راستای یکی از مفاهیم اساسی رهبری است. کارآفرینی و رهبری در تعامل مستقیم با یکدیگر هستند (Colbert, 2003). ایال و کارت (Eyal & Kart, 2004) در مطالعه خود نشان می‌دهند که مهارت‌های رهبری با مهارت‌های کارآفرینی انطباق دارد. رهبری در جهان در حال تحول امروز، نه‌تنها عامل موفقیت افراد و سازمان‌ها، بلکه عامل موفقیت بخش‌ها، مناطق و ملت‌های مختلف است (Bolden, 2004). بنابراین یک رهبر موفق روستایی تلاش می‌کند که دیگران را توانمند سازد و مشارکت آنان را در پروژه‌های توسعه‌ای مختلف، از قبیل کسب و کار کشاورزی افزایش دهد (Zamani & Karami, 2006). رهبری فرآیندی است که طی آن یک فرد دیگران را برای انجام یک هدف مشترک تحت تأثیر قرار می‌دهد و هدایت می‌کند (Winston & Patterson, 2006). بنابراین، رهبر کسی است که قادر است در موقعیت‌های غیرعادی

نسبت به سایر مدیران دارند. راینبا و شارما (Raina & Sharma, 2013) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که هوش هیجانی با سبک رهبری پاداش مشروط (Contingent reward leadership)، دارای رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار است. این در حالی است که مطالعه آنان بیانگر این بود که هوش هیجانی با هیچ سبک رهبری دیگری به‌جز پاداش مشروط رابطه معنی‌داری ندارد. نتایج پژوهش پالمرو و همکاران (Palmer et al., 2001) نشان داد که رابطه‌ای مثبت و معیندار بین هوش هیجانی و رهبری مؤثر وجود دارد. کر و همکاران (Kerr et al., 2006) در پژوهش خود به نتیجه‌ای مشابه رسیدند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که هوش هیجانی، تعیین‌کننده کلیدی رهبری مؤثر است. بعضی از پژوهش‌ها نیز هوش هیجانی را در حیطه کارآفرینی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش عطائی زنجانی‌نژاد و همکاران (Ataei Zanjani Nezhad et al., 2015) نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین پنج متغیر هوش هیجانی و کارآفرینی وجود دارد. مورتان و همکاران (Mortan et al., 2014) در پژوهش خود نشان دادند که هوش هیجانی بر خودکارآمدی کارآفرینانه تأثیر مثبت دارد. نتایج پژوهشگاه و صالح (Nghah & Salleh 2015) نشان داد که هوش هیجانی مثبت می‌تواند موفقیت کارآفرینانه را افزایش دهد. بنابراین، نقش هوش هیجانی، هم در پژوهش‌های رهبری (Kerr et al., 2006) و هم در پژوهش‌های کارآفرینی (Nghah & Salleh, 2015) جای بررسی دارد. اکنون سؤال اینجاست که آیا هوش هیجانی بر سبک رهبری کارآفرینانه مؤثر است؟ در ایران، در راستای اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، دولت توسعه تعاونی‌های روستایی و دهیاران را در دستور کار خود قرار داده است. تشکیل شرکت‌های تعاونی به‌منظور ساماندهی روستاها در راستای اشتغال‌زایی و خدمات‌رسانی بیشتر در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. اهداف این گروه از دهیاران، هدایت مردم در مناطق تحت فعالیت خودشان در راستای راه‌اندازی کسب و کار و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه است. در راستای تحقق این هدف، تعاونی‌های دهیاری‌ها جلسات و گردهمایی‌های مختلفی را برگزار کرده‌اند که نشان‌دهنده روحیه بالای این افراد در دستیابی به اهدافشان است. ضمن اینکه دهیارهای این تعاونی‌ها با توجه به حیطه اختیاری که دارند، هم در زمینه‌ی رهبری و هم در زمینه‌ی توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه ظرفیت بالایی دارند (سازمان شهرداری‌ها و

تحت تأثیر قرار می‌دهد، آگاه است (Raina & Sharma, 2013). خودتنظیمی به کنترل این احساسات اشاره دارد. این ویژگی بازتابی از مفهوم مدیریت احساسات فرد در شرایط متفاوت است. رفتار، تجلی و زاینده‌انگیزه است (زمانی، ۱۳۷۶). انگیزش، فرآیندی است که منجر به جهت‌دهی و تحریک یک رفتار داوطلبانه می‌شود (Mitchell, 1982). انگیزه بالا در افراد، به‌عنوان یکی از عناصر هوش هیجانی، آن‌ها را به سمت انجام کار در زمان مشخص و با کیفیت بالا سوق می‌دهد. مفهوم همدلی، به درک موقعیت فرد دیگر و تجربیات وی در آن موقعیت اشاره دارد (Hojat et al, 2002). افراد با همدلی می‌توانند خود را در موقعیت فرد دیگری قرار دهند. آخرین عنصر هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی است که به قدرت افراد در برخورد، تعامل و ایجاد ارتباط با سایرین اشاره دارد (Flores & Tovar, 2008). افراد برخوردار از مهارت‌های اجتماعی، ارتباط گران بسیار قوی هستند. با نگاهی به عناصر هوش هیجانی می‌توان دریافت که هوش هیجانی، دارای عناصری مهم از یک رهبری مؤثر است. با بازگشت دوباره به تعریف رهبری، ضرورت این عناصر آشکار می‌شود. اگر رهبر فردی باشد که باید با نفوذ بر دیگران، آن‌ها را به سمت اهداف مشترک برانگیزاند، باید احساسات خود را شناخته (خودآگاهی)، قدرت مدیریت آن را داشته باشد (خودتنظیمی) و همچنین دارای انگیزه کافی باشد (انگیزش) تا بتواند با شناخت احساسات خود و مدیریت آن، موقعیت دیگران را درک نموده (همدلی) و با تعامل مناسب (مهارت‌های اجتماعی)، آن‌ها را به سمت رسیدن به هدفی مشترک برانگیزاند.

مطالعات تجربی مختلفی رابطه بین هوش هیجانی و سبک‌های رهبری را بررسی کرده‌اند. نتیجه مطالعه یعقوبی و همکاران (۱۳۸۸)، کیوانلو و همکاران (۱۳۸۹) و همچنین ملکی آوارسین و همکاران (۱۳۹۱) رابطه مثبت و معنی‌داری را بین هوش هیجانی و رهبری تحول‌آفرین نشان دادند. عابدی جعفری و همکاران (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود به همین نتیجه دست یافتند. مرتضوی و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهش خود، رابطه بین هوش هیجانی و سبک رهبری تحول‌آفرین را مثبت و معنی‌دار یافتند. درحالی‌که نتایج مطالعه آن‌ها، رابطه بین هوش هیجانی و سبک رهبری مبادله‌ای را منفی و معنی‌دار نشان داد. لاجوردی (۱۳۸۷) در مطالعه هوش عاطفی و رهبری سازمانی، به این نتیجه دست یافت که مدیران عالی‌اجرایی مؤثر، قابلیت‌های عاطفی بیشتری

فرضیه ۴: انگیزش دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رهبری کارآفرینانه است.

فرضیه ۵: همدلی دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رهبری کارآفرینانه است.

فرضیه ۶: مهارت‌های اجتماعی دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رهبری کارآفرینانه است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی - همبستگی بوده که با استفاده از فن پیمایش انجام شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌های این پژوهش، پرسشنامه ساختارمند بوده که به وسیله محقق تدوین شده و روایی آن به وسیله متخصصین عرصه ترویج و آموزش کشاورزی و کارآفرینی تأیید شده است. پس از تأیید روایی صوری، مطالعه‌ای پیشگام در میان جامعه‌ای انجام شده است که افراد شرکت‌کننده در آن، از جامعه اصلی پژوهش خارج شدند. ضریب آلفای کرونباخ، برای تأیید پایایی مورد واکاوی قرار گرفته است. ضرایب آلفای متغیرهای مختلف مطالعه، بین بازه ۰/۷۱ و ۰/۸۹ قرار داشت که برای مطالعات اجتماعی قابل قبول است. باین حال، مقیاس‌های زیر ۰/۷۵ مورد بررسی مجدد قرار گرفته و با حذف یا ویرایش سنجها، بهینه‌سازی گردیدند. برای توسعه گویه‌های مربوط به رهبری کارآفرینانه، از پرسشنامه تورنبری (Thornberry, 2006) استفاده شد. برای طراحی گویه‌های هوش هیجانی از مطالعات اسکات و همکاران (Schutte et al., 1998) و وانگ و لاو (Wong & Law, 2002) استفاده شد. تعریف، تعداد گویه‌ها و آلفای کرونباخ برای هر متغیر در جدول ۱ قابل مشاهده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دهیاران "تعاونی‌های دهیاری‌ها" در سراسر ایران بودند که تعداد آن‌ها ۸۳۹ نفر بودند. برای انتخاب نمونه، روش نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد استفاده قرار گرفت تا در انتخاب نمونه‌ها برای هر یک از افراد جامعه احتمال مساوی در نظر گرفته شود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۱۷ نفر برآورد شد. این آماره به صورت زیر محاسبه شد.

$$d = t \cdot \frac{s}{\sqrt{n}} \quad (1)$$

S: انحراف معیار یکی از متغیرها (سطح تحصيلات) در جامعه که پیش‌آزمون در آن انجام گرفته است (۰/۳۵)؛

n: تعداد پرسشنامه‌های تکمیل شده در پیش‌آزمون (۳۰)؛

دهیاری‌ها، (۱۳۸۹). واضح است که انجام فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و خدماتی از اولویت بالایی در تشکیل این تعاونی‌ها برخوردار است. نتایج مطالعه ایمانی جاجرمی و پور رجب میان‌دوآب (۱۳۸۸) نشان داد که اغلب دهیاران، دارای ویژگی‌های کارآفرینی هستند، بنابراین پرداختن به مبحث کارآفرینی در این تعاونی‌های دهیاری ضروری است. از طرفی دهیار به‌عنوان رهبر این تعاونی شناخته می‌شود، بنابراین دارا بودن سبک رهبری کارآفرینانه دهیاران، لازمه دستیابی این تعاونی‌ها به اهدافشان است. به این دلیل که تعیین معیارهای مناسب و شفاف، لازمه انتخاب افراد مناسب برای رهبری انواع فعالیت‌های گروهی در مناطق روستایی است (Zamani & Karami, 2006). عوامل مؤثر بر رهبری کارآفرینانه، می‌توانند به‌عنوان معیار انتخاب و آموزش دهیاران به کار گرفته شوند. از این رو، بررسی تعیین‌کننده‌های رهبری کارآفرینانه آنان، ضروری است. در همین راستا، یکی از عناصر مهم در مطالعات کارآفرینی، بررسی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای است (Jawahar & Nigama, 2011). بررسی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای نیز می‌تواند گامی مؤثر در پیشبرد تئوری‌های مرتبط با مطالعات رهبری کارآفرینانه محسوب شود.

از این رو هدف این پژوهش، در ابتدا مقایسه رهبری کارآفرینانه دهیاران روستایی بر حسب ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای از قبیل سن، زمینه تجربه کار قبلی، سطح تحصیلات و سابقه دهیاری، سپس بررسی اثرگذاری هوش هیجانی بر رهبری کارآفرینانه این دهیاران در تعاونی‌های دهیاری روستایی است. این پژوهش، با بررسی این مؤلفه‌ها می‌تواند با تبیین نقش ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای و همچنین مؤلفه‌های هوش هیجانی، در توسعه ادبیات پژوهشی سبک رهبری کارآفرینانه سهیم باشد. برای دستیابی به اهداف یادشده، فرضیه‌های زیر به کار گرفته شده است:

فرضیه ۱: بین میانگین رهبری کارآفرینانه به لحاظ سطوح مختلف ویژگی‌های فردی دهیاران از قبیل (الف) سن، (ب) زمینه تجربه کار قبلی، (ج) سطح تحصیلات و (د) سابقه دهیاری، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه ۲: خودآگاهی دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رهبری کارآفرینانه است.

فرضیه ۳: خودتنظیمی دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رهبری کارآفرینانه است.

کارآفرینی محسوب می‌شود. به‌گونه‌ای که به‌عنوان اولین گام فرآیند کارآفرینانه شناخته شده است (Smith et al., 2009). رهبری نیز یکی از مؤلفه‌های مهم در فرآیند کارآفرینانه است، بنابراین عنصر تشخیص فرصت کارآفرینانه و ایجاد کسب و کار جدید در روستا می‌تواند یکی از مهم‌ترین شاخص‌های دهیار تعاونی روستایی به‌عنوان رهبر کارآفرینانه باشد. همان‌گونه که اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد، در مجموع، میانگین رهبری کارآفرینانه دهیاران بالاتر از حد میانگین است.

مقایسه میانگین رهبری کارآفرینانه با توجه به ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای

بر اساس یافته‌های پژوهش، میانگین رهبری کارآفرینانه در بین دهیارانی که سابقه دهیاری داشته‌اند و دهیاران بدون سابقه، نشان می‌دهد که دهیاران دارای سابقه، از رهبری کارآفرینانه قوی‌تری برخوردارند. یافته‌های مربوط به سابقه دهیاری در جدول ۴ قابل مشاهده است. افرادی که دارای سابقه دهیاری هستند، این فرصت را داشته‌اند تا با اهداف تعاونی‌های روستایی، بیشتر آشنا شوند و مسیر دستیابی به این اهداف را بهتر شناسایی کنند. این تجربه ممکن است آن‌ها را به این مسیر هدایت کند که راهکار دستیابی به اهداف کارآفرینانه تعاونی‌های روستایی، انتخاب نوعی سبک رهبری است که به سبک رهبری کارآفرینانه نزدیک‌تر باشد، زیرا این افراد با قوانین و مقررات، آشنایی پیدا کرده و بهترین راه‌های کاربرد آن‌ها را در عمل می‌دانند، بنابراین فرضیه ۱ (د) این پژوهش پذیرفته می‌شود.

t مقدار آن ۱/۹۶ می‌باشد که به‌صورت تقریبی ۲ در نظر گرفته شد. در نهایت حجم نمونه بر مبنای رابطه ۲ به‌صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$n = \frac{N(t.s)^2}{Nd^2 + (t.s)^2} \quad \text{رابطه (۲)}$$

s انحراف معیار یکی از متغیرهای جامعه آماری مورد مطالعه (۰/۳۵)؛

l ضریب اطمینان که مطابق نظر متخصصان مربوطه به ۰/۰۶ کاهش داده شد (این اقدام در راستای افزایش حجم نمونه و در نتیجه کسب نتایج معتبرتر صورت گرفت)؛
N جامعه‌ی آماری مورد مطالعه (۸۳۹).

در نهایت، در راستای افزایش اطمینان ۱۳۳ پرسشنامه تکمیل گردید.

یافته‌ها و بحث

ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میانگین سنی پاسخگویان ۳۷/۴۴ سال و زمینه تجربه قبلی ۳۳/۸ درصد از آن‌ها کشاورزی بود. سطح تحصیلات بیشتر دهیاران (۵۱/۱ درصد) دیپلم بوده و ۴۷ نفر از آنان سابقه دهیاری (قبل از دوره کنونی دهیاری خود) داشتند. این یافته‌ها در جدول ۲ قابل مشاهده است.

رهبری کارآفرینانه دهیاران

تشخیص و ایجاد فرصت کارآفرینانه، اولین رتبه از بین گویه‌های رهبری کارآفرینانه را به خود اختصاص داده است. تشخیص فرصت کارآفرینانه، یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های

جدول ۱- تعریف، تعداد گویه و ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

مقیاس	تعریف	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
رهبری کارآفرینانه	سازماندهی اعضای یک گروه برای دستیابی به یک هدف مشترک به‌وسیله رفتار کارآفرینانه	۶	۰/۸۹
خودآگاهی	شناسایی احساس خود و چگونگی تأثیر آن بر دیگران	۷	۰/۸۳
خودتنظیمی	مدیریت احساسات در شرایط مختلف، قبل از انجام رفتار	۶	۰/۷۸
انگیزش	علاقه و اشتیاق فرد به تحرک و فعالیت و تحقق اهداف	۵	۰/۸۳
همدلی	توانایی فرد در قرار دادن خود به‌جای دیگران و درک چگونگی واکنش به احساسات هیجانی آنان	۶	۰/۷۱
مهارت‌های اجتماعی	توانایی برقراری ارتباط مؤثر با دیگران و تحت تأثیر قرار دادن آنان	۵	۰/۷۴

تأثیر ویژگی‌های فردی، حرفه‌ای و هوش هیجانی بر رهبری کارآفرینانه

جدول ۲- ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای دهیاران روستایی (n=۱۳۳)

متغیر	سطح	فراوانی	درصد	نما/میان/میانگین
سن (سال)	کمتر از ۳۰ سال	۴۲	۳۱/۶	
	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	۴۱	۳۰/۸	میانگین (انحراف معیار) =
	بالاتر از ۴۰ سال	۵۰	۳۷/۶	(۹/۷۸) ۳۷/۴۴
زمینه تجربه کار	کشاورزی	۴۵	۳۳/۸	
	صنعت	۳۲	۲۴/۱	نما= کشاورزی
	خدمات	۳۸	۲۸/۶	
سطح تحصیلات	بدون تجربه	۱۸	۱۳/۵	
	دیپلم	۶۸	۵۱/۱	نما= دیپلم
	لیسانس	۴۵	۳۳/۸	
سابقه دهیاری	بله	۴۷	۳۵/۳	
	خیر	۸۶	۶۴/۷	نما= خیر

جدول ۳- رهبری کارآفرینانه دهیاران مورد مطالعه

انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۰/۶۱	۴/۱۵	تشخیص و ایجاد فرصت جدید کسب و کار در روستا را به گسترش فعالیت‌های موجود قبلی ترجیح می‌دهم
۰/۶۲	۴/۱۴	برای دستیابی به اهداف اقتصادی روستا، همواره راه‌حل‌های جدید و نو را به کار می‌گیرم
۰/۸۷	۴/۰۹	برای گسترش اشتغال در روستا راه‌هایی را انتخاب می‌کنم که کمترین خطر را داشته باشد*
۰/۷۵	۳/۹۳	به هنگام مشکلات، استفاده از یک راه‌حل، مطمئن‌تر از چند راه‌حل است*
۰/۹۹	۳/۸۵	مسئولیت‌ها را به افرادی که اهل خطر کردن هستند واگذار می‌کنم
۱/۰۶	۳/۸۰	برای پیشبرد اهداف اقتصادی روستا لازم نیست که همواره از قوانین و مقررات رسمی تبعیت کرد
۰/۵۷	۳/۹۹	کل

دامنه عددی: ۱: کاملاً مخالفم؛ ۲: مخالفم؛ ۳: بی‌نظر؛ ۴: موافقم؛ ۵: کاملاً موافقم
*این گویه به صورت معکوس کدگذاری شده است.

جدول ۴- مقایسه رهبری کارآفرینانه دهیاران با توجه به سابقه دهیاری

سطح معنی‌داری	آماره t	رهبری کارآفرینانه		فراوانی	سابقه دهیاری
		انحراف معیار	میانگین*		
		۰/۴۵	۴/۴۱	۴۷	بله
۰/۰۱	۷/۳۱	۰/۵۰	۳/۷۶	۸۶	خیر

*دامنه عددی: ۱-۵

موفقیت در فعالیتهای خدماتی است، بنابراین این افراد، دهیارانی هستند که بیشترین اطلاعات را نسبت به کسب و کارهای جدید دارند، تسلط بیشتری به قوانین و مقررات دارند و در مقابل مراجع قانونی با انعطاف بیشتری عمل می‌کنند. این افراد نسبت به سایر دهیاران، از راه‌های جدیدتری برای دستیابی به اهداف تعاونی‌ها آگاهی دارند و فرصتهای کارآفرینانه را بهتر تشخیص می‌دهند. شغل بیشتر افراد در روستا کشاورزی است و گرایش افراد به فعالیتهای کارآفرینانه در این شغل کمتر مشاهده می‌شود؛ تا جایی که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هیچ تفاوت میانگین معنی‌داری بین رهبری کارآفرینانه افراد باتجربه در زمینه‌ی کشاورزی و افراد بی‌تجربه وجود ندارد. افراد به دنبال پذیرفتن خطر گسترده کردن حیطه شغل خود از کشاورزی به سمت خدمات، فرصتهای شغلی را بهتر کشف می‌کنند. شاید دلیل بیشتر بودن میزان تشخیص فرصت کارآفرینانه در زمینه‌ی خدماتی، با گستره حیطه این‌گونه فعالیتهای قابل توجیه باشد. به این معنی که فعالیتهای خدماتی، در سایر زمینه‌های کشاورزی و صنعت وجود دارد، اما سایر زمینه‌ها، بیشتر به فعالیت در حیطه خود محدود می‌شوند و لزوماً وارد حیطه خدمات نمی‌شوند. این نشان می‌دهد که فرصتهای کسب و کار در زمینه‌های خدماتی، بیشتر از سایر زمینه‌ها وجود دارد، بنابراین تشخیص فرصتهای کارآفرینانه در این زمینه بیشتر از زمینه‌های دیگر است. همچنین باید در نظر داشت که فعالیتهای خدماتی نیاز به سرمایه‌های کمتری دارند و رقابت در این زمینه نیز نسبت به سایر زمینه‌ها آسان‌تر است. همه این ویژگی‌ها باعث شده است تا بخش خدمات، به‌عنوان یک بخش مستعد در زمینه‌ی فعالیتهای کارآفرینانه شناسایی شود، بنابراین فرضیه ۱ (ب) این پژوهش پذیرفته می‌شود.

یافته‌های پژوهش، همان‌گونه که در جدول ۷ قابل مشاهده است، نشان می‌دهد که میانگین رهبری کارآفرینانه دهیاران روستایی دارای مدرک دیپلم، لیسانس و فوق‌لیسانس و بالاتر، تفاوت معنی‌داری ندارد. به بیان دیگر، تحصیلات دانشگاهی هیچ نقشی در میزان رهبری کارآفرینانه این افراد نداشته است، بنابراین فرضیه ۱ (ج) این پژوهش رد می‌شود. (در انجام آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در این قسمت، ابتدا آزمون نرمال بودن داده‌ها انجام شد و به دلیل نرمال بودن داده‌ها، به‌جای استفاده از آزمون‌های ناپارامتری از آزمون پارامتری تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد). این مسئله بیانگر لزوم بازنگری و اصلاحات در آموزش‌های دانشگاهی

یافته‌های پژوهش، تفاوت میانگین معنی‌داری را از نظر رهبری کارآفرینانه در بین افراد در سنین مختلف نشان داد. همان‌گونه که نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون تعقیبی (LSD) در جدول ۵ نشان می‌دهد، بین رهبری کارآفرینانه افراد کمتر از ۳۰ سال، ۳۱ تا ۴۰ سال و بالاتر از ۴۱ سال، تفاوت میانگین معنی‌داری وجود دارد (این تفاوت‌ها در جدول با استفاده از حروف مختلف a، b و c نشان داده شده است). میانگین این گروه‌ها نشان می‌دهد که افراد کمتر از ۳۰ سال، بیشترین میزان رهبری کارآفرینانه را داشته‌اند. پس از آن افراد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، میزان رهبری کارآفرینانه کمتری داشته‌اند و در نهایت، افراد بالای ۴۱ سال دارای کمترین میزان رهبری کارآفرینانه هستند. این یافته‌ها بیانگر آن است که افراد جوان‌تر دارای رهبری کارآفرینانه بیشتری هستند. می‌توان این مطلب را به میزان خطرپذیری افراد نسبت داد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های رهبری کارآفرینانه، میزان خطرپذیری رهبر است. افراد جوان‌تر، دارای قدرت خطرپذیری بیشتری هستند و معمولاً مسئولیتهای مهم را بیشتر به افراد خطرپذیر واگذار می‌کنند. همچنین برای دستیابی به اهداف کارآفرینانه تعاونی دهیاری، پروای چندانی نسبت به راه‌های مخاطره‌آمیز ندارند، بنابراین فرضیه ۱ (الف) این پژوهش پذیرفته می‌شود.

همان‌گونه که در جدول ۶ قابل مشاهده است، میانگین رهبری کارآفرینانه متفاوت و معنی‌داری بین دهیاران روستایی با زمینه‌های تجربه کار قبلی مختلف وجود دارد. رهبری کارآفرینانه دهیاران با زمینه فعالیتهای خدماتی، میانگین بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها دارد. رهبری در بین افراد باتجربه در زمینه‌ی صنعت نیز تفاوت میانگین معنی‌داری با افراد بی‌تجربه دارد، اما میانگین رهبری کارآفرینانه در بین دهیاران باتجربه در زمینه‌ی صنعت با دهیاران دارای تجربه کشاورزی و همچنین دهیاران باتجربه در زمینه‌ی کشاورزی با دهیاران بی‌تجربه وجود ندارد (در انجام آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در این قسمت، ابتدا آزمون نرمال بودن داده‌ها انجام شد و به دلیل نرمال بودن داده‌ها، به‌جای استفاده از آزمون‌های ناپارامتری از آزمون پارامتری تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد).

افراد فعال در زمینه‌ی خدمات، افرادی هستند که ارتباطات وسیع‌تری با خارج از روستا دارند. به این دلیل که فعالیت در زمینه‌ی خدمات، نیازمند تعامل با طیف گسترده‌تری از افراد است. همچنین دارا بودن شبکه‌های گسترده ارتباطی، لازمه

دیگر، دهیارانی که انگیزه بالاتری دارند، از رهبری کارآفرینانه بالاتری برخوردارند. میزان همبستگی (۰/۶۳) بین خودتنظیمی و رهبری کارآفرینانه، بیانگر رابطه‌ای نسبتاً قوی بین این دو متغیر است. به این معنی که تغییر در خودتنظیمی با تغییر در رهبری کارآفرینانه افراد، دارای رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار است. میزان همبستگی بالا و سطح معنی‌داری متغیرها بیانگر آن است که تمام متغیرهای هوش هیجانی، توان ورود به معادله رگرسیون را دارند. فزون بر این، با توجه به بالا بودن مقادیر همبستگی میان متغیرهای هوش هیجانی، پدیده هم خطی میان متغیرها نیز مورد بررسی قرار گرفت. جهت کنترل هم خطی میان متغیرها، دو شاخص اصلی وجود دارند که عبارتند از: شاخص‌های آماره تولرانس (Tolerance) و عامل تورم واریانس (VIF). در این پدیده، هرچه مقدار تولرانس بیشتر (نزدیک به عدد یک) باشد، میزان هم خطی کمتر است. هرچه میزان عامل تورم واریانس (برابر است با عدد یک تقسیم بر تولرانس) از عدد ۲ کمتر باشد، هم خطی میان پدیده‌ها کمتر خواهد بود (حیب پور گتایی و صفری شالی، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر، کمترین مقدار تولرانس برابر با ۰/۷۲ (نزدیک به عدد یک) است و بیشترین مقدار عامل تورم واریانس برابر است با ۱/۳۸ که فاصله زیادی با عدد ۲ دارد، بنابراین از طریق این دو شاخص، می‌توان به میزان پایین هم خطی بین متغیرهای مستقل پی برد.

است. مطالعه منفرد و همکاران (۱۳۹۴) نیز این یافته را تأیید می‌کند. همچنین نتایج مطالعه ایمانی جاجرمی و پور رجب میاندوآب (۱۳۸۸) نشان داد که سطح تحصیلات نقشی در ویژگی‌های کارآفرینی دهیاران ندارد.

رابطه بین متغیرهای هوش هیجانی با رهبری کارآفرینانه پاسخگویان

اطلاعات به دست آمده در جدول ۸ نشان می‌دهد که تمام متغیرهای هوش هیجانی، دارای رابطه مثبت و معنی‌دار با رهبری کارآفرینانه دهیاران هستند. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مهارت‌های اجتماعی با میزان همبستگی (۰/۸۵) رابطه‌ای بسیار قوی با رهبری کارآفرینانه دارد. این مقدار، نشان می‌دهد که رهبری کارآفرینانه تا حد زیادی به مهارت‌های اجتماعی مربوط می‌شود، به عبارت دیگر با افزایش مهارت‌های اجتماعی، رهبری کارآفرینانه به‌طور معنی‌داری افزایش می‌یابد. متغیر خودآگاهی با میزان همبستگی (۰/۷۲) رابطه‌ای قوی با رهبری کارآفرینانه دارد. به این معنی که هم‌زمان با افزایش خودآگاهی، رهبری کارآفرینانه افزایش می‌یابد. میزان همبستگی (۰/۷۰) بین همدلی و رهبری کارآفرینانه، رابطه مثبت و معنی‌داری را نشان می‌دهد. درواقع، افزایش همدلی دهیاران، افزایش رهبری کارآفرینانه آنان را در پی خواهد داشت. متغیر انگیزش با رهبری کارآفرینانه، با میزان همبستگی (۰/۶۶) دارای رابطه‌ای نسبتاً قوی، مثبت و معنی‌دار است. به بیان

جدول ۵- مقایسه میانگین رهبری کارآفرینانه با توجه به سن دهیاران روستایی

سطح معنی‌داری	F	میانگین متغیر وابسته بر اساس سن			متغیر وابسته
		بالاتر از ۴۰	۳۰ تا ۴۰	کمتر از ۳۰	
۰/۰۱	۲۸/۴۱	۳/۶۸ ^c	۳/۹۳ ^b	۴/۴۴ ^a	رهبری کارآفرینانه
		۵۰	۴۱	۴۲	تعداد افراد در هر گروه

جدول ۶- مقایسه میانگین رهبری کارآفرینانه با توجه به زمینه تجربه کار قبلی

سطح معنی‌داری	F	میانگین متغیر وابسته بر اساس زمینه تجربه کار قبلی				متغیر وابسته
		خدمات	صنعت	کشاورزی	بی‌تجربه	
۰/۰۱	۱۶/۹۲	۴/۴۱ ^a	۴/۰۴ ^b	۳/۸۰ ^{bc}	۳/۵۲ ^c	رهبری کارآفرینانه
		۳۸	۳۲	۴۵	۱۸	تعداد افراد در هر گروه

جدول ۷- مقایسه میانگین رهبری کارآفرینانه با توجه به سطح تحصیلات دهیاران روستایی

سطح معنی داری	F	میانگین متغیر وابسته بر اساس سطح تحصیلات			متغیر وابسته
		فوق لیسانس و بالاتر	لیسانس	دیپلم	
۰/۸	۰/۲۱	۴/۰۷	۳/۹۹	۳/۹۷	رهبری کارآفرینانه
		۲۰	۴۵	۶۸	تعداد افراد در هر گروه

بعد از مهارت‌های اجتماعی، خودآگاهی قوی‌ترین متغیر اثرگذار بر رهبری کارآفرینانه در بین سایر متغیرها است (۰/۱۵۸ =). این یافته نشان می‌دهد که افرادی که احساسات خود را شناسایی کنند و نوع هیجانات خود را درک کنند، در رهبری کارآفرینانه توفیق بیشتری خواهند داشت. فردی که احساسات و هیجانات خود را به‌خوبی می‌شناسد، توانایی بیشتری در پذیرش خطرهای فعالیت‌های کارآفرینانه دارد، زیرا چنین فردی قادر است واکنش خود را در مقابل پیروزی یا شکست در یک فعالیت، پیش‌بینی کند، بنابراین دهیارانی که از هیجانات و احساسات خود، آگاهی بیشتری دارند، افرادی شایسته در رهبری کارآفرینانه هستند، بنابراین فرضیه ۲ قابل پذیرش است.

نتایج حاصل از رگرسیون، نشان می‌دهد که همدلی بر رهبری کارآفرینانه مؤثر است (۰/۱۳۴ =). به این معنی که افرادی که قادر به درک موقعیت سایر افراد هستند، قدرت بیشتری در رهبری کارآفرینانه دارند. اگر فرد بتواند خود را در شرایط فرد دیگری قرار دهد و موقعیت وی را تشخیص دهد، می‌تواند نیاز افراد را در شرایط مختلف شناسایی کند، به عبارت دیگر فردی که مهارت همدلی دارد، از توانایی نیازسنجی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر فعالیت‌های کارآفرینانه برخوردار است. این فرد به‌راحتی می‌تواند مشتریان بالقوه فعالیت‌های مختلف را شناسایی نموده و با افراد کلیدی در فرآیند یک فعالیت کارآفرینانه ارتباط برقرار کند، بنابراین کسی که از مهارت همدلی برخوردار باشد، یک کارآفرین موفق خواهد بود. از طرف دیگر چنین فردی می‌تواند با شناسایی موقعیت هر یک از اعضای گروه در جایگاه خودشان، توفیق بیشتری در هدایت آنان حاصل کند. از این رو، دهیارانی که از مهارت همدلی برخوردارند، افراد موفق‌تری در رهبری کارآفرینانه هستند، بنابراین فرضیه ۵ این پژوهش پذیرفته می‌شود.

نتایج همچنین حاکی از تأثیر معنی‌دار انگیزش بر رهبری کارآفرینانه است (۰/۱۲۶ =). انگیزش، نیروی محرکه رفتار

توانایی متغیرهای هوش هیجانی در پیش‌بینی رهبری کارآفرینانه

برای بررسی توانایی متغیرهای هوش هیجانی در پیش‌بینی رهبری کارآفرینانه، تمام متغیرهای هوش هیجانی بر مبنای آزمون همبستگی، وارد رگرسیون چندگانه شدند. همان‌گونه که در جدول ۹ قابل مشاهده است، این متغیرها عبارت بودند از خودآگاهی، خودتنظیمی، انگیزش، همدلی و مهارت‌های اجتماعی که توانستند در مجموع حدود ۷۸ درصد از تغییرات رهبری کارآفرینانه را پیش‌بینی کنند. مقدار بتا برای متغیر مهارت‌های اجتماعی نشان می‌دهد که افزایش یک انحراف معیار در این متغیر، باعث افزایش ۰/۴۸ انحراف معیار در رهبری کارآفرینانه می‌شود، به عبارت دیگر کارآفرینانی که شبکه اجتماعی گسترده‌تری دارند، از توانایی بیشتری در رهبری کارآفرینانه برخوردارند. دومین متغیری که می‌تواند به میزان بیشتری انحراف معیار رهبری کارآفرینانه را تحت تأثیر قرار دهد، خودآگاهی است. به طوری که افزایش یک انحراف معیار در خودآگاهی، باعث افزایش ۰/۱۵ انحراف معیار در رهبری کارآفرینانه می‌شود. به بیان دیگر، کارآفرینانی که احساسات خود را بهتر می‌شناسند، رهبران کارآفرینانه موفق‌تری خواهند بود. سومین متغیر، انگیزش است که با افزایش یک انحراف در آن، ۰/۱۲ انحراف معیار رهبری کارآفرینانه افزایش خواهد یافت. به این معنی که دهیاران با انگیزه بیشتر، در رهبری کارآفرینانه توفیق بیشتری دارند. متغیر چهارم، خودتنظیمی است که با افزایش یک انحراف معیار در این متغیر، ۰/۱۲ انحراف معیار رهبری کارآفرینانه افزایش می‌یابد، به عبارت دیگر میزان موفقیت فرد در مدیریت خود در شرایط مختلف، با میزان رهبری کارآفرینانه مرتبط است. در نهایت، با افزایش یک انحراف معیار در همدلی به‌عنوان متغیر پنجم، انحراف معیار رهبری کارآفرینانه ۰/۱۳ افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، افرادی که قادر به درک شرایط دیگران هستند، قابلیت بیشتری در رهبری کارآفرینانه دارند.

تأثیر ویژگی‌های فردی، حرفه‌ای و هوش هیجانی بر رهبری کارآفرینانه

است (زمانی، ۱۳۷۶). افرادی که از انگیزه بیشتری برخوردارند، فعالیت‌های دشوارتر را بهتر انجام می‌دهند. فعالیت‌های کارآفرینانه با توجه به جدید بودن و همراه بودن با خطر، فعالیت‌هایی دشوار محسوب می‌شوند. توفیق در این فعالیت‌ها نیازمند مدیریت افرادی است که با انگیزه بالا، تحمل ابهامات احتمالی در مسیر فعالیت‌های کارآفرینانه را داشته باشند، بنابراین دهیارانی که انگیزه بیشتری دارند، رهبران موفق‌تری در فعالیت‌های کارآفرینانه هستند، بنابراین فرضیه ۴ قابل پذیرش است.

نتایج رگرسیون بیان‌گر آن است که خودتنظیمی عاملی مؤثر بر رهبری کارآفرینانه است ($r = 0/123$). فردی که قادر است احساسات خود را در شرایط مختلف مدیریت کند، آمادگی مدیریت خود را در رویارویی با شرایط بحرانی دارد. این فرد همچنین بیشترین آمادگی را برای مدیریت سایر افراد، در این شرایط دارد؛ شرایطی که ممکن است در اثر شکست فعالیت‌های کارآفرینانه ایجاد شود. این موقعیت در شرایط پیروزی نیز ممکن است رخ دهد، به عبارت دیگر شرایط پیروزی نیز نیازمند مدیریت و کنترل احساسات رهبر و سایرین است، بنابراین دهیارانی که قادر به مدیریت رفتار خود در شرایط مختلف هستند، در فعالیت‌های کارآفرینانه، رهبران موفق‌تری هستند. بنابراین فرضیه ۳ این پژوهش مورد پذیرش است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که تمام متغیرهای هوش هیجانی بر رهبری کارآفرینانه مؤثرند، به عبارت دیگر، دهیارانی که از

هوش هیجانی بالاتری برخوردارند، ظرفیت بالاتری در زمینه‌ی رهبری کارآفرینانه دارند. از بین متغیرها، مهارت‌های اجتماعی به‌عنوان مؤثرترین عامل بر رهبری کارآفرینانه محسوب می‌شود ($r = 0/486$)، به عبارت دیگر دهیارانی که شبکه اجتماعی گسترده‌تری دارند، از مهارت‌های رهبری کارآفرینانه بالاتری برخوردارند. مطالعات مختلفی نشان داده‌اند که شبکه اجتماعی یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های مهارت‌های کارآفرینانه از قبیل تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه (Ardichvili et al., 2003) است. افرادی که از مهارت‌های اجتماعی بالاتری برخوردارند، دهیارانی هستند که با دنیای بیرون خود، ارتباط بیشتری برقرار می‌کنند. این افراد، ارتباطات خود را به خارج از محیط روستا گسترش می‌دهند. دهیار در نتیجه این ارتباطات، بیشتر با فرصت‌های بیشتر آشنا می‌شود، به دنبال راه‌حل‌های متنوع‌تری خواهد بود و به نوآوری بیشتر اهمیت می‌دهد، بنابراین دهیاری که قصد توسعه فعالیت‌های اقتصادی و رهبری کارآفرینانه یک گروه باهدف ارزش‌آفرینی و بهره‌وری بیشتر را دارد، ارتباطات خود را به محیط خارج از روستا و افراد کلیدی گسترش می‌دهد تا بتواند درک بهتری نسبت به ویژگی‌هایی از قبیل جدید، نوآورانه و ارزشمند بودن یک فعالیت اقتصادی کسب کند و همچنین قادر باشد، نیازهای جدید را شناسایی کند و در راستای آن فرصت‌های جدید را کشف کند، بنابراین فرضیه ۶ این پژوهش پذیرفته می‌شود.

جدول ۸- میانگین، انحراف معیار و رابطه‌ی متغیرهای هوش هیجانی و رهبری کارآفرینانه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	میزان همبستگی	سطح معنی‌داری
			(r)	(p)
مهارت‌های اجتماعی	۳/۳۵	۱/۲۳	۰/۸۵	۰/۰۱
خودآگاهی	۳/۸۰	۰/۶۶	۰/۷۲	۰/۰۱
همدلی	۳/۷۱	۰/۷۵	۰/۷۰	۰/۰۱
انگیزش	۳/۲۵	۰/۷۶	۰/۶۶	۰/۰۱
خودتنظیمی	۳/۹۹	۰/۴۸	۰/۶۳	۰/۰۱

(طیف پاسخ‌ها از ۱= کاملاً مخالف تا ۵= کاملاً موافق)

جدول ۹- نتایج رگرسیون چندگانه جهت تعیین تأثیر متغیرهای هوش هیجانی بر میزان رهبری کارآفرینانه

Sig.t	t	Beta	B	متغیرهای هوش هیجانی	کارآفرینانه رهبری متغیرهای هوش اثرات مستقیم
۰/۰۰۱	۶/۶۰۰	—	۱/۵۴۸	مقدار ثابت	
۰/۰۰۱	۵/۹۸۷	۰/۴۸۶	۰/۲۲۵	مهارت‌های اجتماعی	
۰/۰۱۲	۲/۵۶۰	۰/۱۵۸	۰/۱۳۵	خودآگاهی	
۰/۰۲۳	۲/۲۹۷	۰/۱۲۳	۰/۱۴۵	خودتنظیمی	
۰/۰۲۸	۲/۲۱۷	۰/۱۲۶	۰/۰۹۴	انگیزش	
۰/۰۳۲	۲/۱۷۲	۰/۱۳۴	۰/۱۰۲	همدلی	
R= ۰/۸۸۷		R ² = ۰/۷۸۷	R ² _{Adj} = ۰/۷۷۹	F= ۹۳/۹۱۸	Sig. F = ۰/۰۰۱

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رهبران موفق، پیروان خود را در راستای دستیابی به اهداف، توانمند می‌سازند. رهبر کارآفرینانه فردی است بانگیزه که با ایجاد ارتباطات مؤثر در بین گروه، افراد را برای دستیابی به اهداف مشترک برمی‌انگیزاند (Chan et al., 2015). در این پژوهش، دهیاران افرادی هستند که به دنبال هدایت مردم روستای خود، در راستای فعالیت‌های کارآفرینانه به واسطه تعاونی‌های دهیاری هستند. به عبارتی دیگر، این افراد به دنبال ایفای نقش رهبری کارآفرینانه هستند. نتایج این پژوهش نشان داد که هر چه این افراد از هوش هیجانی بیشتری برخوردار باشند، رهبران موفق‌تری در فعالیت‌های کارآفرینانه خواهند بود. به این معنی که یک دهیار به‌عنوان رهبر کارآفرینانه باید فردی بانگیزه باشد که بتواند با شناسایی و مدیریت احساسات و عواطف خود، با استفاده از مهارت‌های اجتماعی و شناسایی موقعیت افراد مختلف و مهارت همدلی، فرصت‌های عملیاتی را از طریق خلاقیت، نوآوری، درک شرایط بازار، مدیریت خطر، شناسایی نیاز مشتریان و سایر عناصر کارآفرینانه، شناسایی و پیروان خود را هدایت نماید.

نتایج پژوهش به لحاظ نظری، به توسعه مؤلفه‌های هوش هیجانی در مطالعات رهبری و به‌ویژه رهبری کارآفرینانه کمک می‌کند. مطالعاتی که در زمینه‌ی هوش هیجانی و سبک‌های رهبری انجام شده است، تاکنون اشاره‌ای به نقش ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای و همچنین مؤلفه‌های هوش هیجانی در سبک رهبری کارآفرینانه نداشته‌اند. از این جنبه، کاربرد نظری این پژوهش، کمک به توسعه تئوری در مبحث نوین سبک رهبری کارآفرینانه می‌باشد. نتایج این پژوهش، معیارهای مناسبی را ارائه می‌دهد که می‌تواند برای انتخاب و آموزش دهیاران مورد استفاده قرار گیرد. در این راستا، معیارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. با توجه به تأثیر مثبت و معنی‌دار مؤلفه‌های هوش هیجانی بر سبک رهبری کارآفرینانه در این پژوهش، انتخاب دهیاران بر اساس این مؤلفه‌ها می‌تواند در جذب دهیاران دارای این سبک، مؤثر باشد.
۲. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که تدوین برنامه‌های آموزشی برای دهیاران روستایی بر مبنای مؤلفه‌های هوش هیجانی، به پرورش مؤلفه‌های سبک رهبری کارآفرینانه این افراد کمک خواهد کرد.
۳. با توجه به یافته‌های این پژوهش، مهارت‌های اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین تعیین‌کننده سبک رهبری کارآفرینانه، می‌تواند به‌عنوان مطلوب‌ترین معیار برای انتخاب دهیاران روستایی قرار گیرد. همچنین در برنامه‌های آموزشی این دهیاران، توسعه مهارت‌های اجتماعی آنان، نیازمند توجه ویژه است.
۴. با توجه به نتایج تحلیل واریانس، می‌توان گفت که سطح تحصیلات، نمی‌تواند معیار مناسبی برای انتخاب دهیاران روستایی باشد.
۵. یافته‌ها نشان می‌دهند که سن، می‌تواند به‌عنوان معیار انتخاب و آموزش رهبران روستایی در نظر گرفته شود. کمتر بودن سن، استاندارد مطلوب‌تری محسوب می‌شود.
۶. برای انتخاب دهیاران، افرادی که دارای سابقه دهیاری هستند، گزینه بهتری خواهند بود و سابقه دهیاری، باید در آموزش آنان مدنظر قرار گیرد.
۷. افرادی که دارای تجربه در زمینه‌ی فعالیت‌های خدماتی هستند، گزینه‌های بهتری برای انتخاب به‌عنوان دهیار محسوب می‌شوند. این مسأله بیانگر آن است که دهیاران تعاونی‌های روستایی برای دستیابی به اهداف کارآفرینانه روستا، می‌توانند در زمینه‌هایی مثل بازاریابی محصولات کشاورزی، حمل‌ونقل، بسته‌بندی و سایر زمینه‌های خدماتی آموزش ببینند.

تأثیر ویژگی‌های فردی، حرفه‌ای و هوش هیجانی بر رهبری کارآفرینانه

این پژوهش در سطح روستا انجام شده است، بنابراین احتیاط در تعمیم یافته‌های آن لازم است. سایر پژوهش‌ها در سایر سطوح، امکان ارائه نتایج با قابلیت تعمیم بیشتری را فراهم خواهد آورد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، سایر افراد

دارای ویژگی‌های کارآفرینانه و موقعیت‌های رهبری، به لحاظ ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای، مؤلفه‌های هوش هیجانی و سبک رهبری کارآفرینانه مورد ارزیابی قرار گیرند.

منابع

- ایمانی جاجرمی، ح.، و پور رجب میاندوآب، پ. (۱۳۸۸). سنجش و تحلیل ویژگی‌های کارآفرینی دهیاران با تأکید بر عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دهیاران روستاهای شهرستان میاندوآب). *پژوهش‌های روستایی*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۶۷-۹۶.
- حبیب‌پور گتایی، ک.، و صفری شالی، ر. (۱۳۹۱). *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)*. تهران: انتشارات متفکران.
- زمانی، غ. (۱۳۷۶). نظریه‌های انگیزش و کاربرد آنها در ترویج و آموزش کشاورزی. مجموعه مقالات سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور، انتشارات سازمان ترویج کشاورزی.
- سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور. (۱۳۸۹). آشنایی با تعاونی‌های دهیاری‌ها. *ماهنامه پژوهشی، آموزشی و ترویجی دهیاری‌ها*، سال ششم، شماره ۳۰، صص ۲۰-۱۸.
- عابدی جعفری، ح.، تسلیمی، م.، س.، مرادی، م.، و پورابراهیم، س. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین سبک رهبری تحول‌آفرین با هوش عاطفی و بهره‌هوشی. *فصلنامه مدیریت*، سال هفتم، شماره ۲۰، صص ۶۲-۷۵.
- کیوانلو، ف.، کوشان، م.، و سیداحمدی، م. (۱۳۸۹). رابطه بین هوش هیجانی و سبک رهبری. *مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار*، دوره ۱۸، شماره ۱، صص ۴۷-۵۴.
- لاجوردی، ج. (۱۳۸۷). هوش عاطفی و رهبری سازمانی. *پیام مدیریت*، شماره ۲۷، صص ۴۱-۵۷.
- مرتضوی، س.، ناظمی، ش.، و محمودی فخرآباد. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین هوش عاطفی و سبک رهبری (تحول‌بخش-مبادله-ای). *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره ۹، شماره ۳، صص ۱۶۷-۱۹۰.
- ملک سعیدی، ح.، بخشی جهرمی، آ.، و فروزانی، م. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر انگیزه پیشرفت کارآفرینان زن روستایی: مورد مطالعه شهرستان مرودشت. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۹، شماره ۱، صص ۱۴۲-۱۵۱.
- ملکی آوارسین، ص.، حسینی نسب، س.، د.، و وفاجو، م. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سبک رهبری تحول‌آفرین مدیران گروه‌های آموزشی منطقه ۱۳ دانشگاه آزاد اسلامی. *فصلنامه علوم تربیتی*، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۵۲-۴۱.
- منفرد، ن.، و رضایی مقدم، ک.، آبخیز، ز. (۱۳۹۴). نگرش دانشجویان کشاورزی دانشگاه شیراز نسبت به ایجاد دانشکده کارآفرین. *نشریه کارآفرینی در کشاورزی*، جلد دوم، شماره ۲، صص ۴۷-۶۶.
- وطن‌خواه، ن.، و رضایی مقدم، ک. (۱۳۹۴). شناخت روحیه کارآفرینی دانشجویان: مورد مطالعه دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۱۱، شماره ۱، صص ۵۹-۷۱.
- یعقوبی، ن.، اورعی یزدانی، ب.، و مقدمی، م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین هوش عاطفی و سبک رهبری تحول‌آفرین. *پژوهشنامه مدیریت اجرایی*، سال نهم، شماره ۱، صص ۱۱۹-۱۴۴.
- Ardichvili, A., Cardozo, R., and Ray, S. (2003). A theory of entrepreneurial opportunity identification and development. *Journal of Business Venturing*, 18, 105-103.
- Ataei Zanjani Nezhad, H., Marjani, M. R., and Najafi, A. (2015). A study on relationship between emotional intelligence and entrepreneurship of trainees in vocational and technical organization. *Management Science Letters*, 5(5), 501-506.
- Bolden, R. (2004). What is leadership? Centre for leadership studies. University of Exeter. Available at: <http://http://centres.exeter.ac.uk/cls/documents/what_is_leadership.pdf>.

- Chan, K. Y., Uy, M. A., Chernyshenko, O. S., Ho, M. H. R., and Sam, Y. L. (2015). Personality and entrepreneurial, professional and leadership motivations. *Personality and Individual Differences*, 77, 161-166.
- Chatterjee, A., and Kulakli, A. (2015). An empirical investigation of the relationship between emotional intelligence, transactional and transformational leadership styles in banking sector. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 210, 291-300.
- Colbert, F. (2003). Entrepreneurship and leadership in marketing the arts. *International Journal of Arts Management*, 6(1), 30-39.
- Eyal, O., and Kark, R. (2004). How do transformational leaders transform organizations? A study of the relationship between leadership and entrepreneurship. *Leadership and Policy in Schools*, 3(3), 211-235.
- Fernald, L. W., Solomon, G. T., and Tarabishy, A. (2005). A new paradigm: Entrepreneurial leadership. *Southern Business Review*, 30(2), 1-10.
- Flores, M. A. R. A.T., and Tovar, L. A. R. (2008). Emotional intelligence model for directors of research centers in Mexico. *Estudios Gerenciales*, 24(106), 13-30.
- Goleman, D. (1998). *Working with emotional intelligence*. New York: Bantam.
- Gupta, V., MacMillan, I. C., and Surie, G. (2004). Entrepreneurial leadership: developing and measuring a cross-cultural construct. *Journal of Business Venturing*, 19(2), 241-260.
- Hojat, M., Gonnella, J. S., Nasca, T. J., Mangione, S., Vergare, M., and Magee, M. (2002). Physician empathy: definition, components, measurement, and relationship to gender and specialty. *American Journal of Psychiatry*, 159(9), 1563-1569.
- Jawahar, D. P., and Nigama, K. (2011). Influence of social capital on entrepreneurial opportunity recognition behaviour. *International Journal of Economics and Management*, 5 (1), 351, 368.
- Kerr, R., Garvin, J., Heaton, N., and Boyle, E. (2006). Emotional intelligence and leadership effectiveness. *Leadership & Organization Development Journal*, 27(4), 265-279.
- Lans, T., van Galen, M. A., Verstegen, J. A. A. M., Biemans, H. J. A., and Mulder, M. (2014). Searching for entrepreneurs among small business owner managers in agriculture. *NJAS-Wageningen Journal of Life Sciences*, 68, 41-51.
- Mitchell, T. R. (1982). Motivation: New directions for theory, research, and practice. *Academy of management review*, 7(1), 80-88.
- Mortan, R. A., Ripoll, P., Carvalho, C., and Bernal, M. C. (2014). Effects of emotional intelligence on entrepreneurial intention and self-efficacy. *Revista de Psicología del Trabajo y de las Organizaciones*, 30(3), 97-104.
- Ngah, R., and Salleh, Z. (2015). Emotional intelligence and entrepreneurs' innovativeness towards entrepreneurial success: A preliminary study. *American Journal of Economics*, 5(2), 285-290.
- Ngah, R., Salleh, Z., and Mamat, W. I. W. (2016). Entrepreneurs' innovativeness based on emotional intelligence (EI) competencies towards entrepreneurial success. In Proceedings of the ASEAN Entrepreneurship Conference, Spring, Singapore.
- Palmer, B., Walls, M., Burgess, Z., and Stough, C. (2001). Emotional intelligence and effective leadership. *Leadership & Organization Development Journal*, 22(1), 5-10.
- Raina, A. K., and Sharma, N. K. (2013). The relationship between emotional intelligence and leadership. *European Journal of Business and Management*, 5(10), 59-70.
- Rost, J. C. (1995). Leadership: A discussion about ethics. *Business Ethics Quarterly*, 5(01), 129-142.
- Schutte, N. S., Malouff, J. M., Hall, L. E., Haggerty, D. J., Cooper, J. T., Golden, C. J., and Dornheim, L. (1998). Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and individual differences*, 25(2), 167-177.
- Smith, B. R., Matthews, C. H., and Schenkel, M. T. (2009). Differences in entrepreneurial opportunities: The role of tacitness and codification in opportunity identification. *Journal of small business management*, 47(1), 38-57.
- Soriano, D. R., and Martínez, J. M. C. (2007). Transmitting the entrepreneurial spirit to the work team in SMEs: the importance of leadership. *Management Decision*, 45(7), 1102-1122.
- Thornberry, N. (2006). *Lead like an entrepreneur*. Blacklick, USA: McGraw-Hill.
- Vecchio, R. P. (2003). Entrepreneurship and leadership: common trends and common threads. *Human resource management review*, 13(2), 303-327.
- Winston, B. E., and Patterson, K. (2006). An integrative definition of leadership. *International journal of leadership studies*, 1(2), 6-66.
- Wong, C. S., and Law, K. S. (2002). The effects of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: An exploratory study. *The leadership quarterly*, 13(3), 243-274.
- Zamani, G. H., and Karami, E. (2006). Rural leadership and sustainable agriculture: Criteria for recruiting leaders. *Journal of Food, Agriculture and Environment*, 4(3/4), 228-234.

The Impacts of Demographic Characteristics and Emotional Intelligence on Entrepreneurial Leadership among Dehyars

E. Masoomi* and Gh. Zamani¹

(Received: May, 30. 2016; Accepted: Jan, 11. 2017)

Abstract

Development of Dehyari's cooperatives is considered as one of the strategies of entrepreneurial activities. Directing this activities require motivated and committed Dehyars (Municipality Administrators) who play an important role in the leadership of socio-economic organizations. Therefore, entrepreneurial leadership is the most appropriate style of leadership for Dehyars. In this regard, it is necessary to identify factors affecting entrepreneurial leadership for selecting and training Dehyars of those cooperatives. Hence, the main purpose of this survey research was determining effective factors on entrepreneurial leadership. This study is a "descriptive, correlational" research that was conducted using survey technique. The statistical population of the study was the Dehyars of Dehyari's cooperatives from all over Iran (N= 839). Totally, 133 samples were determined by the Cochran formula, randomly. Data was gathered using a questionnaire whose face validity was confirmed through a panel of experts, and its reliability estimated using Cronbach's alphas coefficient (0.71 to 0.89). Findings indicated that, there is a significant difference toward entrepreneurial leadership between Dehyars' demographic characteristics including age, Dehyari's experience, and context of prior work experience. The findings also revealed that the variables of emotional intelligence affect entrepreneurial leadership, and social skills have the highest effect on dependent variable. The results of this study provide criteria for selecting and training rural Dehyars.

Keywords: Emotional Intelligence, Entrepreneurial Leadership, Rural Dehyars.

¹ Ph.D. Student, and Professor, respectively, Department of Agricultural Extension and Education, School of Agriculture, Shiraz University, Shiraz, Iran.

* Corresponding author, Email: masoomi_ehsan@yahoo.com

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop